

نقش و جایگاه ایران در آسیای غربی و جنوب غربی

مجید یاسوری^۱، مریم سجودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۱

چکیده

مناطق استراتژیک، کشورهای تاثیرگذار در این مناطق و پیش بینی رفتار و حرکت این کشورها و به طور کلی واکاوی و بررسی آن‌ها از جهات مختلف؛ همواره یکی از دلمشغولی‌ها و از مهم ترین دغدغه‌های فکری اندیشمندان از حوزه‌های مختلف بوده است. در این بین ایران به عنوان یک کشور منطقه ای می تواند بیشتر از قدرت ملی و جغرافیایی خود نقش ایفا نماید؛ این نقش در سیاست و نظم منطقه ای تأثیرگذار خواهد بود و اگر این نقش به عینیت و سرانجام برسد عامل مهمی برای ارتقای موقعیت و سامان دهی گرایش سیاست خارجی ایران در سال‌های آینده خواهد بود. جامعه‌ی آماری مورد نظر در این پژوهش، کشورهای واقع در منطقه‌ی آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و افغانستان و پاکستان می باشند. هدف این پژوهش تعیین نقش، جایگاه و موقعیت استراتژیک ایران در شاخص‌های مختلف بین کشورهای منطقه در شرایط فعلی است؛ تا تصویر گر نحوه‌ی حرکت و ادامه‌ی مسیر ایران برای دستیابی به هدف سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴ باشد؛ بدین منظور رتبه‌ی کشور ایران با سایر کشورهای واقع در منطقه مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بر اساس مستندات ارائه شده از سوی سازمان‌های جهانی بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین کشورهای منطقه در زمینه‌ی برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی اختلافات چشمگیر و معناداری وجود دارد و کشور ایران، با توجه به برنامه‌ی بلند مدتی که برای رسیدن به جایگاه برتر منطقه در دست دارد و همچنین با توجه به توانمندی‌ها و مزیت‌های بالقوه‌ای که جهت تحقق بخشیدن به آرمان‌های سند چشم انداز دارد، علی رغم پیشرفت‌های مناسب در برخی از زمینه‌ها، تا دستیابی به رتبه برتر منطقه فاصله زیادی دارد و در شرایط فعلی نیازمند تقویت و تجهیز خود در اکثر شاخص‌هایی است که معرف توسعه و پیشرفت می باشند. لذا در انتها سعی شده است راهکارهایی جهت تحقق جایگاه ایران بر اساس سند چشم انداز در افق ۱۴۰۴ ارائه گردد.

واژگان کلیدی: ایران، نقش استراتژیک، موقعیت برتر در منطقه، کشورهای منطقه.

1. استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان
Email: yasoori@um.ac.ir

2. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان
Email: Msejodil@yahoo.com

مقدمه

منطقه از بعد سیاسی بخشی از سطح سیاره‌ی زمین اعم از خشکی، آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل انسانی دارای تجانس و هویت مشخص بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز می‌گردد. به عبارتی اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه‌ی جغرافیایی از بعد سیاسی نقش آفرین شود؛ منطقه‌ی جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت یک منطقه ژئوپولیتیک در صحنه ظاهر می‌گردد. به عبارت دیگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه زمانی که مورد توجه سیاست قرار بگیرد از ارزش و اعتبار ژئوپولیتیک برخوردار می‌گردد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲). از این رو مناطق استراتژیک به مثابه‌ی پر اهمیت ترین مناطق جغرافیایی؛ غالباً در مقیاس جهانی و در سطح رقابت قدرت‌های بزرگ مطرح گردیده است و پایداری قدرت ابر قدرت‌ها تا اندازه‌ی زیادی به چگونگی اتخاذ سیاست‌های آن‌ها در حوزه‌های جغرافیایی مهم بستگی داشته و دارد (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۲۱۱). یکی از این مناطق بسیار مهم و استراتژیک شامل کشورهای واقع در آسیای میانه، قفقاز جنوبی، خاور میانه و برخی از کشورهای همسایه می‌باشند؛ که کشور ایران به عنوان قلب و عنصر تپندگی و جریان این منطقه ایفاگر نقشی به غایت حساس برای خود، کشورهای واقع در منطقه‌ی مذکور و جهان است. از آن جایی که هر کشوری در بدو حضور و عضویت در هر منطقه‌ای جایگاه و رتبه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و برنامه‌ای جهت مشخص نمودن جایگاه آینده‌ی خود و احتمالاً تلاش برای ارتقا آن را تنظیم می‌نماید؛ بدین منظور اصولاً تهیه چشم اندازهای بلند مدت در کشورها موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه دولتمردان اکثر کشورها را به خود جلب کرده است. که جهت تحقق این هدف لازم است از مدل‌هایی که امکان سنجش و مقایسه‌ی کشورها در ابعاد مختلف را فراهم می‌آورد، استفاده نمود؛ یکی از معتبرترین و جامع‌ترین این مدل‌ها، شاخص جهانی رفاه لگاتوم است. که برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، با تنظیم شاخص‌های ترکیبی رفاه که بر اساس فاکتورهای گوناگونی نظیر ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی تنظیم می‌شود و از آن جایی که اکثر کشورهای مورد بررسی این پژوهش در لیست کشورهای شاخص جهانی رفاه لگاتوم قرار گرفته‌اند، این مدل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. جمهوری اسلامی ایران با توجه به عواملی همچون: ضرورت‌ها و الزام‌های ناشی از آرمان‌های قانون اساسی، تحولات بین‌المللی و حاکمیت فضای نوین اقتصادی در جهان، تحولات علمی و فناوری‌های نو، نظریات علمی، شناخت امکانات و محدودیت‌های محیطی، بهره‌گیری از تجارب خود و دیگران و همچنین واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود کشور، سند چشم‌انداز در افق (۱۴۰۴ هـ ۲۰۲۵ م) را برگزیده است؛ سندی جهت تبیین افقی برای توسعه‌ی ایران که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و اجرای این چشم‌انداز در قالب چهار برنامه‌ی توسعه‌ی ۵ ساله انجام می‌گیرد تا کشور ایران در طی ۲۰ سال (۱۴۰۴-۱۳۸۴) برنامه‌ریزی و اجرای درست، به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل



سازنده و موثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد. همچنین، گذشته از این موارد، "ملت ایران نیز با سابقه‌ی ۲۵۰۰ ساله‌ی حضور در فلات ایران و دارا بودن ذهنیت تاریخی پر رنگ از حکومت-ملت بودن، همیشه در تکاپوی ارتقای منزلت و جایگاه خود در سلسله مراتب ساختار ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای بوده است. به طوری که اولین تلاش‌های ایجاد ساختار دموکراتیک نظام سیاسی را در اوایل قرن بیستم (۱۹۰۶ م.) در قالب انقلاب مشروطه و اولین انقلاب‌های اسلام خواهی را در قالب انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ م.، خیلی جلوتر از دیگر ملت‌های منطقه به ثمر رسانده است که نتیجه‌ی آن بروز تغییر و تحولات اساسی در ساختار و موقعیت ژئوپلیتیک کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه بوده است (خوجم‌لی، ۱۳۹۲: ۷۲). بدین منظور مهم‌ترین هدف این پژوهش تعیین نقش، جایگاه و موقعیت استراتژیک ایران در شاخص‌های مختلف بین کشورهای منطقه در شرایط فعلی است؛ تا تصویر گر نحوه‌ی حرکت و ادامه‌ی مسیر ایران برای دستیابی به هدف سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ گردد. لذا برای دستیابی به هدف مورد نظر پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر مد نظر این پژوهش بوده است.

کشور ایران در بین کشورهای منطقه چه جایگاه و رتبه‌ای را به خود اختصاص داده است؟
موانع و محدودیت‌های ایران جهت دستیابی به موقعیت برتر در منطقه کدامند؟
راهکارهای تبدیل چالش‌های احتمالی به فرصت‌هایی جهت تثبیت موقعیت ایران در منطقه کدامند؟

در ادامه تلاش شده است تا جهت دست‌یابی به هدف تحقیق به سوالات مطرح شده پاسخ داده شود تا امکان تبیین و تحلیل جایگاه و موقعیت ایران بر اساس اهداف سند چشم‌انداز در روند زمانی (۱۴۰۴-۱۳۸۴) در منطقه فراهم گردد. در خصوص قدرت برتر سه تعبیر وجود دارد:

قدرت برتر منطقه‌ای به معنای توان هم‌زمان ایجابی و سلبی در راستای دفاع از منابع است؛ قدرت تعیین‌کننده و اثرگذار به معنای قدرتی است که صرفاً توانایی و امکان ایجاد فرآیندها و ساختارهای ایجابی و مثبت را دارد اما توان جلوگیری از شکل‌گیری فرآیندها و ساختارهای سلبی را ندارد؛

قدرت محلی، به معنای قدرتی است که نه‌توان ایجاد فرآیندهای مثبت را دارد و نه‌توان جلوگیری از فرآیندهای منفی را.

بنابراین قدرت برتر منطقه‌ای به معنای برتری در منطقه، کسب جایگاه اول در زمینه‌های اقتصادی علمی و فن‌آوری می‌باشد. در حقیقت قدرت منطقه‌ای قدرتی است که هم‌زمان هم‌توان ایجاد

فرآیندها و ساختارهای مثبت به نفع خود را دارا بوده و هم قدرت تخریب و ممانعت از شکل گیری فرآیندها و ساختارهای منفی بر علیه امنیت و منافع ملی اش را داشته باشد (مایل افشار، ۱۳۴، ۱۳۹۱). بر اساس تعریف فوق قصد کشور ایران دستیابی چنین قدرت برتر منطقه‌ای در افق سند چشم انداز است. اهداف مد نظر سند چشم انداز کشور نیز شامل موارد زیر است:

"توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه‌ی اخلاقی، نو اندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت"

(<http://www.parliran.ir>)

پیشرفت‌های قابل توجه ایران در زمینه‌های علمی و فناوری،



بنابراین این تحقیق به دنبال آن است تا بدانند جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه از نظر شاخص‌های مختلف و رتبه بندی‌های مرسوم و معتبر کجاست.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

قالیباف و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان "تبیین ژئوپولیتیک‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی"، منطقه‌ی خلیج فارس را جز اهداف اصلی سیاست خارجی ایران می‌دانند و معتقدند وجود ذخایر عظیم انرژی‌های فسیلی و دست‌یابی تقریبی تمامی کشورهای حاشیه‌ی آن و میادین مشترک نفتی و گازی، رقابت بر سر بازاریابی و فروش این محصولات و اختلاف نظر فراوان بر سر میزان تولید نفت و گاز در مجامعی چون اوپک؛ موجب شده است که یک پدیده‌ی ژئوپولیتیک‌ی بتواند بر سیاست خارجی میان کشورهای این منطقه تأثیری عمیق بگذارد. نتایج پژوهش فوق نشان داده است که با استناد به مطالعه‌ی سه عامل میادین مشترک، رقابت بر سر میزان تولید و دست‌یابی به ریاست اوپک؛ چالش‌های سیاست خارجی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی می‌تواند در سه رویکرد شکل‌گیری و اجرا شود: رویکرد تقابلی، تعاملی و مسابقه (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۶).

یزدانی و شیخون در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش یابی ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس (با تأکید بر تئوری سیبرنتیک)" منطقه خلیج فارس را به عنوان بخشی از گستره سیستم بین‌المللی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد در دوران گذار تاریخی خود به عنوان یک بخش مهم و مسأله ساز مطرح می‌نماید، اما به دلیل گسترش صنعت و نیاز روزافزون دنیای صنعتی به نفت، خلیج فارس به تدریج به یک واحد ژئوپولی استراتژیک‌ی تابع سیستم بین‌المللی تبدیل شده و به عنوان یک سیستم تابعه مطرح گردید. در این بین افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بازیگر پیرامونی سیستم تابع خلیج فارس، باعث واکنش‌هایی از سوی بخش مرکزی این سیستم و به خصوص عربستان سعودی شده است. بر اساس آنچه تئوری سیبرنتیک می‌گوید؛ همه ساخت‌های سیستم که با توجه به ویژگی‌های کارگزاران آن شکل می‌گیرد، در خدمت دو ساخت اصلی، تحت عنوان ساخت کنترل‌کننده و کنترل شونده است که عربستان سعودی به عنوان کنترل‌کننده با اتخاذ الگوهای رفتاری انطباقی و کسب حمایت قدرت مداخله‌گر درصدد مقابله با نقش یابی جمهوری اسلامی ایران، در جهت حفظ نظم موجود در سیستم تابع خلیج فارس است (یزدانی و شیخون، ۱۳۹۲، ۵۳).

احمدی و لطفی در مقاله‌ای تحت عنوان "انقلاب اسلامی و نقش بین‌المللی ایران در منطقه" نقش بین‌المللی ایران در منطقه پس از انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷) را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که فعالیت‌های ایران عمدتاً در ابعاد فرهنگی-مذهبی (اعزام مبلغ به خارج از کشور)، بهداشتی-درمانی، توسعه و عمران، رسانه‌ای و ورزشی انجام شده است و این اقدامات تا حدی به ایفای نقش بین‌المللی

ایران در منطقه کمک کرده است. این گونه اقدامات ایران نشان از علاقه و توانمندی ایران برای حضور در خارج از مرزهایش دارد. شرایط جغرافیایی کشور و آرمان‌های فرامرزی انقلاب اسلامی نیز بستر این امر را فراهم آورده است (احمدی و لطفی، ۱۳۸۹، ۱۰۷).

صلاحی و تاروردی ممقانی در پژوهشی تحت عنوان "بررسی جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی در افق ۲۰۱۵ میلادی بر اساس شاخص‌های اقتصادی و زیست محیطی اهداف توسعه‌ی هزاره" با استفاده از داده‌های سالانه اهداف توسعه هزاره و مدل‌های اقتصاد سنجی سری زمانی ARIMA مقادیر شاخص‌های زیست محیطی و اقتصادی در سال ۲۰۱۵ میلادی را برآورد کرده و جایگاه ایران در مقایسه با کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی به تفکیک هر یک از شاخص‌ها را بررسی کرده است. در بخش تحلیلی این مطالعه، مقادیر آتی مربوط به هر یک از شاخصها برآورد گردیده و سپس، با توجه به ارزش‌های برآورد شده با توجه به بررسی‌ها و برآوردهای صورت گرفته هر ۳ فرضیه مطالعه که در بردارنده فرض قرار گیری ایران در میان ۵ کشور اول منطقه در اهداف اول، دوم و هفتم از اهداف توسعه هزاره است، مورد بررسی قرار گرفته است (صلاحی و تاروردی ممقانی، ۱۳۹۰، ۱۳۵).

وثوقی در مقاله‌ای تحت عنوان "تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی قفقاز جنوبی" ایران را به دلیل عضویت در زیر مجموعه‌ی قفقاز جنوبی و متاثر شدن از تحولاتی که در این زیر مجموعه اتفاق می افتد، در معرض انواع تهدیدات و چالش‌هایی می داند که در منطقه‌ی قفقاز جنوبی وجود دارد. از آنجا که منطقه‌ی قفقاز از حساسیت بالایی به لحاظ داشتن منابع فسیلی برخوردار است و موقعیت برجسته‌ی ژئوپولیتیکی دارد، طیف نسبتاً گسترده‌ای از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نیروهای تاثیر گذار بر روابط بین الملل کشورهای منطقه‌ی قفقاز جنوبی بدل شده‌اند. از سوی دیگر مسائل داخلی این کشورها که بیشتر ناشی از شرایط گذشته‌ی تاریخی و مسائل ناشی از استقلال است، مانند شرایط ناپایدار کننده؛ روابط قومی فرهنگی این جوامع که ممکن است منطقه را آستان حوادث و درگیری‌های قومی، مذهبی و زبانی کند؛ اقتصاد ناکار، وابسته وضعی و بحران‌های اقتصادی، تورم، بیکاری و وجود خلا امنیتی در منطقه باعث شده که تمام اقدامات امنیتی قائم به عمل و عکس العمل‌های کشورهای منطقه‌ی قفقاز همچنین قدرت‌های فرا منطقه‌ای گردد (وثوقی، ۱۳۸۸، ۱۱۵).

بخشی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان "ترازبایی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی بر اساس شاخص‌های تبیین گر آسیب پذیری و امنیت غذایی" معتقدند در یک نگاه جامع و بلندمدت با ادامه وضعیت کنونی (افزایش قیمت انرژی در جهان)، وضعیت کلی اقتصاد و به تبع آن شاخصهای فرهنگی-بهداشتی بسیاری از کشورهای منطقه در آینده رو به بهبود و نزدیک به یکدیگر خواهد بود (به غیر از پاکستان، افغانستان و یمن به دلیل محدودیت منابع انرژی). اما با توجه به تفاوت کشورها از نظر پتانسیل‌های کشاورزی، شاخص‌های تجارت و تأمین غذای منطقه مهمترین شاخص افتراق و دسته بندی کشورها در زمینه



امنیت غذایی در آینده خواهد بود. در حوزه کشاورزی شاخص تغذیه مردم پاکستان به دلیل جمعیت زیاد و وضعیت جاری نامطلوب تغذیه در صورت رشد اقتصادی و افزایش قدرت خرید مردم، مطمئناً به دلیل تقاضای بیشتر برای غذا افزایش می‌یابد و در این صورت تراز تجاری مواد غذایی ضروری از مثبت به سمت صفر و یا منفی میل خواهد کرد. شاخصهای کشاورزی در کشورهای ترکمنستان، سوریه و آذربایجان به دلیل محدودیت منابع آب و کنترل آن در کشورهای همجوار مانند افغانستان، ازبکستان، ترکیه، ارمنستان و ایران در آینده تغییر(نزول) خواهد کرد. این وضعیت برای مصر و عراق و عربستان نیز تا حدودی قابل پیش بینی است. بنابراین می‌توان انتظار داشت در آینده مهمترین کشورهای رقیب در زمینه کشاورزی ترکیه و ایران باشند؛ لذا در این خصوص مطالعه ای کامل در سناریوهای مختلف (تداوم وضع موجود، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و...) با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دو کشور در حال حاضر و آینده و نقشهایی که به واسطه آن می‌توانند داشته باشند و تأثیر آن در رسیدن به اهداف چشم انداز، بسیار ارزشمند خواهد بود (بخشی و همکاران، ۱۳۸۷، ۴۷).

۲. قلمرو کشورهای منطقه

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی؛ که منطقه و محدوده توسعه ایران در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران ۲۰ ساله است، قرار گرفته که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره (افغانستان و پاکستان) است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان، که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا (محل زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان) و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است و همچنین امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آب‌های آزاد را از طریق ایران فراهم می‌سازد؛ یک امتیاز بسیار مهم محسوب می‌شود. بر این اساس کشورهای واقع در منطقه که محدوده‌ی مورد مطالعه و بررسی این پژوهش را شکل می‌دهند، بدین شرح می‌باشند:

آسیای میانه شامل: کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان.

قفقاز جنوبی شامل: کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان.

خاورمیانه شامل: کشورهای ایران، اردن، امارات متحده عربی، عمان، بحرین، قطر، کویت، سوریه، ترکیه، لبنان، عراق، عربستان سعودی، مصر، فلسطین و یمن و کشورهای همسایه دیگر نظیر پاکستان و افغانستان. به واقع "موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه‌ی خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را، نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است. زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی

کشورهای منطقه در رابطه‌ی مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن راهارتلند ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم و در قلب منطقه‌ی بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به طوری که هرگونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد" (خوجم لی، ۱۳۹۲: ۷۲).

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و در این راستا کوشش شده است ضمن استفاده از ادبیات و منابع کتابخانه‌ای؛ به طور مشخص از روش شناسی استنباطی برای فهم و تبیین جایگاه ایران در منطقه و در بین کشورهای مورد بررسی شامل: ایران، اردن، امارات متحده عربی، عمان، بحرین، قطر، کویت، سوریه، ترکیه، لبنان، عراق، عربستان سعودی، مصر، فلسطین، یمن، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، پاکستان و افغانستان استفاده گردد. با توجه به ماهیت نظری موضوع مورد بررسی و همچنین جهت توجیه استدلال‌های پژوهش در راستای اهداف و آرمان‌های سند چشم‌انداز، گردآوری داده‌ها و اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و از منابع مکتوب داخلی و خارجی در این زمینه استفاده شده است. در این راستا سعی شده است تا بر اساس اهداف مندرج در سند چشم‌انداز، شاخص‌هایی تعیین و با استفاده از منابع در دسترس شامل: (شاخص‌های توسعه انسانی "HDI" گزارشات بانک جهانی، شاخص رفاه موسسه لگاتوم، شاخص کیفیت زندگی، شاخص درک رفاه و...) به تعیین رتبه ایران در بین کشورهای منطقه پرداخته شود.

۳. تعیین جایگاه و رتبه‌ی کشور ایران در بین کشورهای منطقه

به طور کلی برای بررسی تطبیقی و مقایسه تحول قابلیت‌ها و توانایی‌های یک کشور در بستر زمان دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول مقایسه یک کشور با خود در بستر زمان است؛ رویکرد دوم مقایسه یک کشور با دیگران اعم از همسایگان یا سایر بازیگران عرصه بین‌المللی و اصولاً سیستم جهانی است.

در رویکرد اول که مقایسه کشور با خود می‌باشد تنها نتایج رشد و توسعه‌ی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و کالبدی کشور در زمان مقایسه می‌شود. اما در رویکرد دوم تغییرات کمی، مقادیر و شاخص‌ها و ضرایب رشد و توسعه‌ی عوامل و متغیرهای مؤثر در قدرت ملی یک کشور در زمان با کشورهای دیگر در همان زمان مقایسه می‌شود تا مشخص شود که وزن ژئوپلیتیکی کشور نسبت به همسایگان یا کشورهای رقیب یا سایر کشورها و قدرت‌ها بهتر شده یا بدتر گردیده است. در حقیقت با این رویکرد کشورها می‌توانند روند تغییر شاخص‌های توسعه و عوامل و متغیرهای مؤثر در قدرت ملی خود را با میانگین‌های جهانی و منطقه‌ای نیز مقایسه نمایند و از طریق آن فراز و فرود؛ موقعیت خود در سیستم ژئوپلیتیک جهانی یا منطقه را سنجش نمایند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۸۶). بدین منظور در این بخش با استفاده از رویکرد دوم جایگاه و



رتبه‌ی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه مقایسه شده است. اهمیت این مساله از این جهت است که به عقیده‌ی بسیاری از صاحب نظران با توجه به این که بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی ایران گذشته است؛ هنوز نقش و اهمیت آن ناشناخته است و با توجه به دگرگونی‌های عمیق حاصل شده از انقلاب و تصمیمات اتخاذ شده در کشور ایران، امروزه این کشور نقشی بی‌بدیل در رویدادهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دارد. مقایسه و رتبه‌بندی از طریق شاخص‌های جهانی لگاتوم، کیفیت زندگی، درک رفاه، توسعه‌ی انسانی و... بر اساس آخرین داده‌های استخراج شده در سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است.

۱-۳. جایگاه و رتبه‌ی ایران در شاخص جهانی رفاه لگاتوم

الگوی رفاهی به الگوهای نظری گفته می‌شود که امکان مقایسه سیاست گذاری اجتماعی کشورهای گوناگون را فراهم می‌آورد. مدل‌های نظری مختلفی که برای مقایسه‌ی نظام‌های سیاست گذاری اجتماعی کشورهای جهان مطرح شده است بیشتر بر کشورهای اروپایی با نظام رفاهی ۶۰ ساله تمرکز کرده‌اند و کمتر کشورهای در حال توسعه در این تحقیقات بررسی شده‌اند؛ اما اخیراً در مطالعات دانشمندان غربی تلاش‌هایی برای بررسی الگوهای رفاهی کشورهای در حال توسعه به چشم می‌خورد (مردوخ روحانی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). حال یکی از معتبرترین و جامع‌ترین تلاش‌های صورت گرفته در راستای مقایسه‌ی وضعیت رفاه کشورها که بیشترین تعداد کشورها را نیز مطالعه و بررسی قرار می‌دهد؛ شاخص جهانی رفاه لگاتوم است. موسسه‌ی پژوهشی لگاتوم (Legatum) از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، با تنظیم شاخص‌های ترکیبی رفاه که بر اساس فاکتورهای گوناگونی نظیر ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی تنظیم می‌شود سالانه در سطحی جهانی به رتبه‌بندی ۱۴۲ کشور (در برگیرنده‌ی ۹۶ درصد از جمعیت کره‌ی زمین) می‌پردازد. در محاسبه‌ی نمره‌ی شاخص رفاه لگاتوم ۸۹ زیر شاخص برای هر کشور مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ این زیر شاخص‌ها نمره‌ی شاخص‌های اصلی را تعیین می‌کنند و سپس نمره‌ی نهایی از میانگین نمرات شاخص‌های اصلی برای هر کشور به دست می‌آید.



جدول ۱. رتبه‌ی کشورهای منطقه در شاخص جهانی لگاتوم در سال ۲۰۱۴

رتبه در جهان	رتبه در منطقه	سرمایه اجتماعی	آزادی‌های	امنیت	بهداشت	آموزش	دولت	کارآفرینی	اقتصاد	نمره کل	شاخص‌ها کشورهای منطقه	
۱۰۷	۱۲	۱۱۱	۱۲۸	۱۲۶	۶۷	۵۷	۱۲۰	۹۳	۱۱۴	-۱/۱۰۴	ایران	کشورهای خاورمیانه
۸۲	۷	۱۰۰	۱۳۲	۷۷	۶۱	۵۰	۵۸	۷۱	۹۹	-۰/۴۵۹	اردن	
۲۸	۱	۴۳	۵۵	۲۶	۳۷	۳۹	۳۲	۳۱	۱۰	۱/۴۳۲	امارات متحده‌ی عربی	
۳۶	۲	۶۲	۸۳	۳۴	۴۰	۳۰	۴۴	۳۵	۱۶	۱/۰۶۷	کویت	
۱۲۹	۱۶	۱۲۷	۱۳۹	۱۴۰	۹۹	۹۷	۱۲۴	۱۲۲	۱۳۴	-۲/۳۳۲	سوریه	
۸۶	۸	۱۱۴	۱۳۴	۹۵	۵۵	۸۱	۴۸	۶۶	۸۶	-۰/۶۰۴	ترکیه	
۱۰۱	۱۱	۱۲۶	۱۱۰	۱۰۲	۶۴	۸۹	۱۰۷	۹۱	۷۵	-۰/۸۹۴	لبنان	
۱۲۸	۱۵	۹۱	۱۴۰	۱۳۴	۱۱۶	۱۱۰	۱۳۳	۱۲۵	۱۰۹	-۲/۳۷	عراق	
۴۷	۳	۲۳	۱۲۶	۷۲	۴۵	۲۸	۴۹	۴۹	۲۴	۰/۴۸۴	عربستان سعودی	
۱۱۶	۱۳	۱۰۷	۱۴۱	۱۱۲	۸۵	۹۹	۱۱۹	۸۹	۱۱۹	-۱/۵۶۶	مصر	
۱۳۸	۱۸	۱۲۰	۱۴۲	۱۲۲	۱۱۴	۱۲۶	۱۳۶	۱۲۱	۱۲۷	-۲/۷۲۷	یمن	
۵۷	۵	۱۶	۵۷	۶۵	۶۰	۶۹	۱۱۸	۹۲	۶۷	۰/۱۲۵	ازبکستان	آسیای میانه
۹۴	۹	۶۴	۱۰۵	۵۹	۹۸	۶۴	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۸	-۰/۵۷	تاجیکستان	
۵۵	۴	۳۵	۹۱	۶۳	۵۸	۵۴	۱۰۶	۶۰	۴۴	۰/۱۹۴	قزاقستان	
۷۹	۶	۷۷	۱۰۲	۷۵	۸۹	۸۳	۱۰۵	۶۷	۶۵	-۰/۴۳۶	جمهوری آذربایجان	قفقاز جنوبی
۹۵	۱۰	۱۲۴	۱۲۳	۵۶	۸۷	۴۹	۸۸	۶۸	۱۲۹	-۰/۷۶۴	ارمنستان	
۱۲۷	۱۴	۱۲۲	۱۳۵	۱۳۹	۱۱۰	۱۲۲	۱۲۲	۱۰۳	۱۰۷	-۲/۳۴۱	پاکستان	کشورهای همسایه
۱۳۷	۱۷	۱۳۷	۱۲۶	۱۳۶	۱۲۰	۱۲۸	۱۴۰	۱۰۹	۱۳۸	-۲/۷۱۷	افغانستان	

<http://www.prosperity.com>



مدل‌های مورد استفاده از جمله مدل لگاتوم براساس شاخص‌هایی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است که قدرت داخلی و به تبع آن قدرت خارجی را شکل می‌دهد. بنابراین اگر کشوری در شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی وضعیتی مناسبی داشته باشد این امر باعث افزایش انسجام ملی و به دنبالش در قدرت ملی اثرگذار می‌شود. بر اساس رتبه بندی شاخص جهانی رفاه لگاتوم در سال ۲۰۱۴ رتبه‌ی کشورهای منطقه به این صورت است که امارات متحده‌ی عربی، کویت و عربستان سعودی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و کشورهای یمن، افغانستان و سوریه در آخرین رتبه‌های این شاخص قرار داشتند. همچنین کشورهای عمان، بحرین، قطر، فلسطین، ترکمنستان، قرقیزستان و گرجستان جز کشورهایی بودند که در لیست کشورهای شاخص جهانی رفاه لگاتوم قرار نگرفته بودند؛ بدین معنی که از کسب حداقل رتبه برای حضور در لیست رتبه بندی این شاخص برخوردار نبوده‌اند. در این رتبه بندی ایران از نظر رتبه کل در میان ۱۸ کشوری که در منطقه دارای اطلاعات قابل دسترس بودند در جایگاه دوازدهم قرار گرفته است. هم چنین جهت درک میزان فاصله‌ی کشورهای منطقه با کشورهای برتر از نظر شاخص لگاتوم در سطح جهان، رتبه‌ی کشورهای منطقه در بین کشورهای جهان نیز ذکر شده است، ایران صد و هفتمین کشور جهان از بین ۱۴۲ کشور مورد بررسی در این شاخص معرفی شده است. لازم به ذکر است در رتبه بندی ۱۴۲ کشور جهان در شاخص رفاه ۳۰ کشور در رده‌ی عالی (رتبه‌های ۱-۳۰)، ۴۱ کشور در رده‌ی بالای متوسط (رتبه‌های ۳۱-۷۱)، ۴۱ کشور در رده‌های پایین تر از متوسط (رتبه‌های ۷۲-۱۱۲) و ۳۰ کشور نیز در رده‌ی پایین (۱۱۳-۱۴۲) قرار گرفته‌اند؛ بنابراین بر اساس این شاخص ایران در سطح جهانی، در رده‌ی کشورهای پایین تر از متوسط قرار گرفته است.

۲-۳. شاخص کیفیت زندگی

امروزه کیفیت زندگی را به عنوان عنصری کلیدی در سیاست گذاری و بررسی سیاست‌های حوزه‌ی عمومی مورد بحث قرار می‌دهند و از آن به عنوان شاخص توسعه نام می‌برند. این سازه بعد از طرح اولیه در دهه‌ی ۱۹۳۰ تا کنون تحولات بسیاری یافته و برای اندازه گیری میزان پیشرفت و ترقی جوامع از آن استفاده روزافزونی می‌شود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸). اهمیت این شاخص از آن جاییست که مردم در کشورهای توسعه یافته به رفاه اقتصادی دست یافته‌اند ولی، احساس نمی‌کنند که زندگیشان، از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. پس، رشد شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) که معرف رشد اقتصادی است، نمی‌تواند معیار بهبود کیفیت زندگی مردم تلقی شود. دولت‌ها و موسسات متعددی در سطوح ملی و بین المللی برای سنجش و شاخص سازی کیفیت زندگی فعالیت دارند. شاخص‌های مهمی که تا کنون برای سنجش کیفیت زندگی و پیشرفت اجتماعی پیشنهاد گردیده است شامل؛ درآمد ملی، شاخص بهزیستی

اجتماعی و ندر فور د - ریلی، شاخص بهداشت اجتماعی فوردهام، شاخص پیشرفت واقعی، سال‌های عمر همراه با کیفیت، توسعه انسانی، فقر انسانی، توسعه جنسیتی و شاخص توانمندی جنسیتی است (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۷۵). در سال ۲۰۰۵، واحد اطلاعاتی اکونومیست (EIU)، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به منظور رتبه‌بندی کشورهای جهان ارائه کرد. این معیار رتبه‌بندی کشورها را شاخص کیفیت زندگی (QLI)، نام‌گذاری کرده‌اند. رتبه‌بندی کشورهای جهان بر اساس این شاخص توسط پایگاه اینترنتی NUMBEO صورت می‌گیرد که در آن ۸۶ کشور دنیا بر اساس کیفیت زندگی مردم با هم مقایسه می‌شود. شاخص کیفیت زندگی از هفت زیر شاخه شامل شاخص قدرت خرید، شاخص امنیت، شاخص بهداشت و درمان، شاخص قیمت مصرف کننده، شاخص قیمت ملک به نسبت درآمد، شاخص مدت زمان رفت و آمد و ترافیک و شاخص آلودگی تشکیل شده است (www.numbeo.com). در جدول زیر رتبه و جایگاه هر کدام از کشورهای منطقه در شاخص‌های مذکور مشخص شده است.

در رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی تنها ۱۰ کشور از ۲۵ کشور مورد مطالعه، سهم و جایگاهی را در این رتبه‌بندی به خود اختصاص داده‌اند و بقیه کشورها در درون این رتبه‌بندی جای نگرفته‌اند. در این شاخص نیز مانند شاخص پیشین کشورهای امارات متحده‌ی عربی، کویت و عربستان سعودی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند و کشورهای ایران، مصر، لبنان به ترتیب جز کم رتبه‌ترین کشورها بوده‌اند. لازم به ذکر است که کشور ایران در بین ۸۶ کشور مورد بررسی در این شاخص نیز با نمره‌ی ۱۱,۰۸ - سومین کشور بی کیفیت جهان برای زندگی تعیین شده است؛ ایران سال گذشته هم همین رتبه را داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



جدول ۲. رتبه‌ی کشورهای منطقه در شاخص کیفیت زندگی و زیر شاخص‌های فرعی در سال ۲۰۱۴

کشور	پاکستان	قزاقستان	مصر	عربستان	لبنان	ترکیه	کویت	امارات	اردن	ایران
کیفیت زندگی	۸۰/۲۵	۷۴/۳۶	۹۱/۲۳	۷۱/۵۴	۸۶/۷۲	۷۷/۱۱	۵۹/۹۹	۵۳/۸۴	۸۱/۸۴	۸۶/۰۷
قدرت خرید	۲۲/۳۲	۴۰/۶۴	۵/۴۱	۱۳۹/۸۸	۱۸/۳۹	۶۷/۸۲	۱۴۱/۳۷	۱۷۳/۳۷	۳۹/۵۴	-۱۱/۰۸
امنیت	۳۱/۵۳	۳۷/۲۹	۲۵/۵۷	۱۰۰/۰۳	۴۱/۸۶	۵۵/۷۹	۹۲/۴۶	۱۱۰/۶۴	۳۸/۳	۳۰/۳۳
بهداشت	۳۶/۲۵	۵۰/۵۹	۴۷/۵۷	۷۰/۶۲	۴۹/۹	۶۰/۰۵	۶۳/۵۶	۷۹/۲۱	۵۲/۴۲	۴۴/۹۹
قیمت مصرف	۵۰/۴	۱۹/۶۰	۶۱/۳	۵۰/۴۲	۵۵/۳۶	۵۷/۵۴	۶۶/۲	۶۰/۶۵	۷۴/۱	۴۸/۶
قیمت ملک به	۲۶/۶۹	۶۳/۱۵	۳۸/۲۶	۶۸/۱۴	۷۰/۱۵	۴۹/۹۳	۸۴/۰۸	۶۸/۲۵	۶۱/۴۶	۵۱/۴۹
مدت زمان	۱۳/۹۲	۱۱/۳۵	۱۱/۰۹	۳/۲۵	۱۸/۳	۶/۸۶	۶/۷۸	۵/۲۶	۷/۹۵	۲۰/۶۳
آلودگی	۲۵/۱۲	۴۰	۶۰/۸۳	۲۳/۳۳	۳۲/۴۳	۵۱/۹۳	۱۸	۲/۲۸	۶۰/۲	۵۴/۴۵
رتبه در منطقه	۷	۵	۹	۳	۸	۴	۲	۱	۶	۱۰
رتبه برتر در جهان	۷	۵	۹	۳	۸	۴	۲	۱	۶	۱۰

۳-۳. شاخص درک رفاه

الگوی رفاهی جز موضوعات مهم در حوزه‌ی مباحث سیاست گذاری اجتماعی است. در حالی که رفاه اجتماعی اشاره به مسائل ملموس اجتماعی چون: آموزش، بهداشت، اوقات فراغت، مسکن، جمعیت، امنیت، اشتغال و... اشاره دارد. سایت گذاری اجتماعی ناظر بر اقدامی دولتی در این موارد است و بیشتر حوزه‌هایی چون: اشتغال، آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و مسکن را در بر می‌گیرد (مردوخ روحانی، ۱۳۹۱: ۲۵۰). اهمیت شاخص درک رفاه از این جهت است که موارد فوق را به طور ملموس و مستتر در گزارشات خود ارائه نموده است. برنامه توسعه‌ی سازمان ملل (UNDP) گزارش جدید خود را موسوم به گزارش " توسعه‌ی انسانی ۲۰۱۴، ترقی پایدار بشرکاهش آسیب پذیری‌ها و افزایش جهش‌ها" را در اواخر جولای ۲۰۱۴ منتشر کرد. این نهاد بین‌المللی به طور معمول در فواصل یک یا دو ساله اقدام به انتشار سلسله گزارش‌های توسعه‌ی انسانی می‌کند که طی آن وضعیت شاخص‌های مربوط به توسعه‌ی انسانی در کشورهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد

در سومین رتبه بندی صورت گرفته، کشورهای واقع در منطقه در بین شاخص‌های تکمیلی (درک رفاه) توسعه‌ی انسانی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. شاخص‌های تکمیلی توسعه‌ی انسانی شامل ۳ بخش درک فردی رفاه، درک در مورد جامعه و درک در مورد دولت است. بخش درک فردی رفاه شامل ۷ شاخص کیفیت آموزش و پرورش، کیفیت بهداشت و درمان، استاندارد زندگی، شغل، امنیت، آزادی انتخاب و شاخص کلی رضایت از زندگی است.

بخش درک در مورد جامعه شامل ۳ شاخص بازار کار محلی، اعتماد به افراد دیگر و رضایت از محل زندگی است و بخش درک در مورد دولت شامل ۳ شاخص تلاش برای مقابله با فقر، اقدامات برای حفظ محیط زیست و اعتماد به دولت ملی است. در هر یک از شاخص‌های فوق نظر سنجی از شهروندان هر کشور صورت گرفته و نتایج آن در قالب درصد رضایت از هر شخص و یا درصد افرادی که به سوال پاسخ مثبت داده‌اند؛ مشخص شده و در نهایت نمره‌ای از ۰ تا ۱۰ به هر کشور اختصاص داده شده که تحت عنوان شاخص کلی رضایت از زندگی نام گذاری شده است (UNDP.2014).



جدول ۳. رتبه‌ی کشورهای منطقه در شاخص‌های تکمیلی (درک رفاه) توسعه‌ی انسانی در سال ۲۰۱۴

شاخص/کشور	درک فردی						درک در مورد جامعه		رتبه در منطقه	رتبه برتر در جهان
	کیفیت آموزش (% راضی) (۲۰۱۲)	کیفیت بهداشت (% راضی) (۲۰۰۸-۱۲)	شغل (% راضی) (۲۰۰۷-۱۲)	امنیت (% تلبه) (۲۰۰۷-۱۲)	آزادی انتخاب (% راضی) (۲۰۰۷-۱۲)	رضایت از زندگی (% -۱۲) (۲۰۰۷)	اعتماد به دیگران (% تلبه) (۲۰۰۹-۱۲)	محل زندگی (% راضی) (۲۰۰۷-۱۲)		
ایران	۶۱	۸۳	۸۲	۷۲	۶۵	۴۳	۵۵	۶۱	۸۳
امارات	۵۲	۸۲	۷۸	۷۰	۹۰	۶۲	۳۰	۶۰	۵۲	۸۲
عمان	۶۷	۸۷	۸۶	۷۷	۸۸	۹۳	۵۳	۷۱	۶۷	۸۷
بحرین	۵۵	۹۰	۶۰	۹۲	۴۹	۵۵	۵۵	۹۰
قطر	۵۷	۸۸	۹۱	۶۳	۹۰	۹۳	۴۰	۴۵	۵۷	۸۸
کویت	۴۶	۷/۲	۶/۹	۵	۶/۷	۶/۲	۳/۲	۵/۳	۴/۶	۷/۲
سوریه	۱۰۹	۱۲	۲۰	۸۹	۲۵	۴۰	۱۵۳	۷۷	۱۰۹	۱۲
ترکیه	۱۸	۱۱	۳۳	۱۱	۹	۸	۱۸
	۷۶	۹۳	۹۰	۹۰	۹۲	۹۳	۳۵	۷۸	۷۶	۹۳
	۹	۳	۶	۴	۱	۵	۱۴	۸	۹	۳
	۷۵	۴۰	۵۶	۴۴	۳۱	۴۶	۱۱۸	۶۹	۷۵	۴۰

افغانستان	پاکستان	ارمنستان	آذربایجان	تاجیکستان	ازبکستان	مصر	عربستان	عراق	لبنان
۶۴	۵۹	۵۲	۵۰	۷۶	۸۳	۴۰	۶۵	۵۰	۶۳
۴۳	۴۳	۴۰	۳۴	۸۶	۸۶	۳۵	۵۶	۳۰	۴۶
۸۸	۷۴	۵۰	۶۶	۸۴	۸۰	۷۱	۹۰	۶۰	۶۳
۳۹	۴۱	۷۸	۶۹	۸۶	۸۴	۵۷	۷۷	۴۱	۶۲
۴۹	۳۵	۴۶	۵۴	۶۷	۸۸	۴۴	۵۹	۲۹	۶۱
۳/۸	۵/۱	۴/۳	۴/۹	۴/۵	۶	۴/۲	۶/۵	۴/۷	۴/۶
۱۴۵	۸۲	۱۲۵	۹۷	۱۱۸	۴۳	۱۳۰	۲۹	۱۰۵	۱۰۹
۲۵	۲۰	۱۵	۲۷	۳۱	۲۶	۲۵	۳۶	۱۵	۷
۷۰	۷۹	۵۵	۷۳	۹۱	۹۳	۶۳	۹۳	۶۵	۸۱
۱۸	۱۷	۱۱	۱۰	۱۶	۱۳	۱۲	۲	۱۵	۷
۱۶۹	۱۴۶	۸۷	۷۶	۱۳۳	۱۱۶	۱۱۰	۳۴	۱۲۰	۶۵

<http://www.UNDP.org>



در جدول رتبه بندی کشورهای منطقه در شاخص‌های تکمیلی (درک رفاه) توسعه‌ی انسانی اکثریت کشورهای منطقه توانسته‌اند در این رتبه بندی جای گیرند و کشورهای قطر، عربستان و امارات متحده‌ی عربی برترین رتبه‌ها را در بین کشورهای منطقه کسب کرده‌اند و کشورهای افغانستان، پاکستان و تاجیکستان نیز پایین‌ترین رتبه‌ها را در بین کشورهای منطقه داشته‌اند. ایران نهمین رتبه را از بین کشورهای واقع در منطقه داراست و در سطح جهانی هفتاد و پنجمین کشور برخوردار از شاخص‌های تکمیلی (درک رفاه) توسعه‌ی انسانی بوده است. بر اساس این شاخص ایران جز کشورهایی است که رتبه اش بالاتر از حد متوسط بالاتر است.

۳-۴. شاخص‌های توسعه‌ی انسانی

از شاخص‌های توسعه‌ای بسیاری برای بررسی‌های اقتصادی استفاده می‌شود. دسته‌ای از این شاخص‌ها در چارچوب شاخص‌های اهداف توسعه‌ی هزاره در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اقتصاد دانان و محققان را به خود جلب کرده است؛ زیرا این اهداف تقریباً مورد تایید همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل متحد است و اطلاعات آن از سوی سازمان‌های رسمی منتشر می‌شود و به منظور پیش بینی قابل اتکا خواهد بود (ملا ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴۶). یکی از مفاهیم گسترده توسعه، توسعه‌ی انسانی است. این مفهوم از توسعه بیشتر از سال ۱۹۹۰ با تهیه اولین گزارش توسعه‌ی انسانی مطرح گردید و روش جدیدی برای اندازه گیری وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها قلمداد شد. به واقع توسعه‌ی انسانی با کمک شاخص‌های مختلف ارزیابی می‌گردد (ياسوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۴). به عبارتی توسعه‌ی انسانی شاخصی خلاصه شده برای ارزیابی پیشرفت بلند مدت در سه بعد (زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و استانداردهای مناسب برای زندگی) است (UNDP 2011:2). شاخص‌های توسعه‌ی انسانی شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه‌ی انسانی: زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب. شاخص‌های توسعه‌ی انسانی که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، ارائه دهنده‌ی جدیدترین اطلاعات مربوط به توسعه‌ی جهانی است و شامل برآوردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۴. رتبه‌ی کشورهای منطقه در شاخص‌های توسعه‌ی انسانی

شاخص / کشور	شاخص توسعه انسانی	شاخص نابرابری جنسیت	ضریب جینی	سرانه درآمد ناخالص ملی
	نمره ۲۰۱۳	نمره ۲۰۱۳	نمره ۱۲-۲۰۰۳	دلار- ۲۰۱۳
ایران	۰/۷۴۹	۰/۵۱	۳/۳۸	۱۳۴۵۱
اردن	۰/۷۴۵	۰/۴۸۸	۳۵/۴	۱۱۳۳۷
امارات متحده عربی	۰/۸۲۷	۰/۲۴۴	۵۸۰۷۸
عمان	۰/۷۸۳	۰/۳۴۸	۴۲۱۹۱
بحرین	۰/۸۱۵	۰/۲۵۳	۳۲۰۷۲
قطر	۰/۸۵۱	۰/۵۲۴	۴۱/۱	۱۱۹۰۲۹
کویت	۰/۸۱۴	۰/۲۸۸	۸۵۸۲۰
سوریه	۰/۶۵۸	۰/۵۵۶	۳۵/۸	۵۷۷۱
ترکیه	۰/۷۵۹	۰/۳۶	۴۰	۱۸۳۹۱
لبنان	۰/۷۶۵	۰/۴۱۳	۱۶۲۶۳
عراق	۰/۶۴۲	۰/۵۴۲	۳۰/۹	۱۴۰۰۷
عربستان	۰/۸۳۶	۰/۳۲۱	۵۲۱۰۹
مصر	۰/۶۸۲	۰/۵۸	۳۰/۹	۱۰۴۰۰
یمن	۰/۵	۰/۷۳۳	۳۷/۷	۳۹۴۵
ازبکستان	۰/۶۶۱	۳۶/۷	۵۲۲۷
تاجیکستان	۰/۶۰۷	۰/۳۸۳	۳۰/۸	۲۴۲۴
قزاقستان	۰/۷۵۷	۰/۳۲۳	۲۹	۱۹۴۴۱
آذربایجان	۰/۷۴۷	۰/۳۴	۳۳/۷	۱۵۷۲۵
ارمنستان	۰/۷۳	۰/۳۲۵	۳۱/۳	۷۹۵۲
پاکستان	۰/۵۳۷	۰/۵۶۳	۳۰	۴۶۵۲
افغانستان	۰/۴۶۸	۰/۷۰۵	۸/۲۷	۱۹۰۴

ادامه جدول ۴

رتبه در منطقه	رتبه در جهان	نرخ رشد جمعیت %	نرخ قتل ۱۰۰۰۰ نفر	نرخ خودکشی ۱۰۰۰۰ نفر	امید به زندگی سال - ۲۰۱۳	شاخص / کشور
		۲۰۱۰-۱۵	۲۰۰۸-۱۱	۲۰۳-۰۹	سال - ۲۰۱۳	
۱۰	۷۵	۱/۳	۳	۷۴	ایران
۱۲	۷۷	۳/۵	...	۰/۲	۷۳/۹	اردن
۳	۴۰	۲/۵	۷۶/۸	امارات متحده عربی
۶	۵۶	۷/۹	۰/۷	۷۶/۶	عمان
۴	۴۴	۱/۷	۰/۵	۷/۵	۷۶/۶	بحرین
۱	۳۱	۵/۹	۰/۹	۷۸/۴	قطر
۵	۴۶	۳/۶	۲/۲	۳/۶	۷۴/۳	کویت
۱۶	۱۱۸	۰/۷	۲/۳	۷۴/۶	سوریه
۸	۶۹	۱/۲	۳/۳	۷۵/۳	ترکیه
۷	۶۵	۳	۲/۲	۸۰	لبنان
۱۷	۱۲۰	۲/۹	۲	۶۹/۴	عراق
۲	۳۴	۱/۸	۷۴/۵	عربستان
۱۴	۱۱۰	۱/۶	۳/۳	۰/۱	۷۱/۲	مصر
۲۰	۱۵۴	۲/۳	۴/۲	۶۳/۱	یمن
۱۵	۱۱۶	۱/۴	۳/۱	۹/۳	۶۸/۲	ازبکستان
۱۸	۱۳۳	۲/۴	۲/۱	۵/۲	۶۷/۲	تاجیکستان
۹	۷۰	۱	۸/۸	۵۲/۴	۶۶/۵	قزاقستان
۱۱	۷۶	۱/۱	۲/۲	۴	۷۰/۸	آذربایجان
۱۳	۸۷	۰/۲	۱/۴	۳/۹	۷۴/۶	ارمنستان
۱۹	۱۴۶	۱/۷	۷/۸	۶۶/۶	پاکستان
۲۱	۱۶۹	۲/۴	۲/۴	۶۰/۹	افغانستان

بر اساس جدول رتبه بندی کشورهای منطقه بر اساس شاخص‌های توسعه‌ی انسانی کشورهای فلسطین، ترکمنستان، قرقیزستان و گرجستان سهمی در این رتبه بندی نداشته‌اند. کشورهای قطر، عربستان و امارات در میان کشورهای منطقه در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند و کشورهای افغانستان، یمن و پاکستان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. کشور ایران در بین کشورهای منطقه دهمین کشور از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی بوده است؛ همچنین کشور ایران در جهان با نمره‌ی ۰,۷۴۹ رتبه‌ی ۷۵ را به خود اختصاص داده است. همان گونه که مشاهده می‌شود ایران در سطح منطقه حد متوسطی از توسعه‌ی انسانی را داراست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵. رتبه بندی کشورهای منطقه بر اساس شاخص‌های رفاه لگاتوم، کیفیت زندگی، درک رفاه و توسعه‌ی انسانی.

شاخص رفاه لگاتوم		شاخص کیفیت زندگی		شاخص / کشور
رتبه در منطقه	رتبه در جهان	رتبه در منطقه	رتبه در جهان	
۱۰	۶۶	۱۲	۱۰۷	ایران
۶	۵۵	۷	۸۲	اردن
۱	۹	۱	۲۸	امارات متحده عربی
*	*	*	*	عمان
*	*	*	*	بحرین
*	*	*	*	قطر
۲	۱۸	۲	۳۶	کویت
*	*	۱۶	۱۲۹	سوریه
۴	۴۹	۸	۸۶	ترکیه
۸	۶۳	۱۱	۱۰۱	لبنان
*	*	۱۵	۱۲۸	عراق
۳	۱۹	۳	۴۷	عربستان
۹	۶۵	۱۳	۱۱۶	مصر
*	*	*	*	فلسطین
*	*	۱۸	۱۳۸	یمن
*	*	۵	۵۷	ازبکستان
*	*	۹	۹۴	تاجیکستان
*	*	*	*	ترکمنستان
۵	۵۴	۴	۵۵	قزاقستان
*	*	*	*	قرقیزستان
*	*	۶	۷۹	جمهوری آذربایجان
*	*	۱۰	۹۵	ارمنستان
*	*	*	*	گرجستان
۷	۶۰	۱۴	۱۲۷	پاکستان
*	*	۱۷	۱۳۷	افغانستان

ادامه جدول ۵. (علامت * گذاشته شده بیان گر این است که به علت عدم کسب نمره‌ی حداقلی در رتبه بندی مورد نظر لحاظ نشده‌اند).

کشور / شاخص	شاخص درک رفاه		شاخص توسعه‌ی انسانی		میانگین رتبه	
	رتبه در جهان	رتبه در منطقه	رتبه در جهان	رتبه در منطقه	میانگین رتبه در منطقه	میانگین رتبه در جهان
ایران	۷۵	۹	۷۵	۱۰	۸۱	۱۰
اردن	*	*	۷۷	۱۲	۵۳	۶
امارات	۴۰	۳	۴۰	۳	۲۹	۲
عمان	۵۶	۶	۵۶	۶	۲۸	۳
بحرین	۴۴	۴	۴۴	۴	۲۲	۲
قطر	۳۱	۱	۳۱	۱	۱۵	۱
کویت	۴۶	۵	۴۶	۵	۳۶	۳
سوریه	۱۱۸	۱۴	۱۱۸	۱۶	۹۱	۱۱
ترکیه	۶۹	۸	۶۹	۸	۶۸	۷
لبنان	۶۵	۷	۶۵	۷	۷۳	۸
عراق	۱۲۰	۱۵	۱۲۰	۱۷	۹۲	۱۲
عربستان	۳۴	۲	۳۴	۲	۳۳	۲
مصر	۱۱۰	۱۲	۱۱۰	۱۴	۱۰۰	۱۲
فلسطین	*	*	*	*	*	*
یمن	*	*	۱۵۴	۲۰	۷۳	۹
ازبکستان	۱۱۶	۱۳	۱۱۶	۱۵	۷۲	۸
تاجیکستان	۱۳۳	۱۶	۱۳۳	۱۸	۹۰	۱۱
ترکمنستان	*	*	*	*	*	*
قزاقستان	*	*	۷۰	۹	۴۵	۴
قرقیزستان	*	*	*	*	*	*
آذربایجان	۷۶	۱۰	۷۶	۱۱	۵۸	۷
ارمنستان	۸۷	۱۱	۸۷	۱۳	۶۷	۸
گرجستان	*	*	*	*	*	*
پاکستان	۱۴۶	۱۷	۱۴۶	۱۹	۱۲۰	۱۴
افغانستان	۱۶۹	۱۸	۱۶۹	۲۱	۱۱۹	۱۴

طبق داده‌های جدول فوق که تلفیقی از رتبه‌های نهایی کشورهای منطقه را در سطح جهانی و منطقه‌ای بر اساس شاخص‌های رفاه لگاتوم، کیفیت زندگی، درک رفاه و توسعه‌ی انسانی است، سعی شده است جهت درک و توصیف بهتر موضوع، میانگین عددی از رتبه‌ها ارائه شود؛ بر این اساس کشور قطر با بالاترین رتبه در منطقه و همین‌طور جهان در بهترین وضعیت قرار دارد و کشورهای امارات متحده‌ی عربی، بحرین و عربستان سعودی در منطقه با کسب رتبه‌ی دوم در جایگاه بعد قرار دارند در حالی که رتبه‌های متفاوت کشورهای فوق‌الذکر در سطح جهانی می‌تواند به ترتیب بحرین، امارات متحده‌ی عربی و سپس عربستان سعودی را رتبه بندی نماید. کشورهای فلسطین، ترکمنستان، قرقیزستان و گرجستان نیز به عنوان کشورهای موجود در منطقه‌ی مورد مطالعه نتوانسته‌اند هیچ امتیازی بر اساس هیچ کدام از شاخص‌های مورد مطالعه به خود اختصاص دهند. در این بین کشور ایران به عنوان کشور مورد مطالعه‌ی پژوهش حاضر مجموعاً در سطح منطقه‌ای رتبه‌ی ۱۰ و در سطح جهان رتبه‌ی ۸۸ را به خود اختصاص داده است. از آن جایی که در وحله‌ی اول کسب امتیاز و برتری همه جانبه در سطح منطقه ایست، کسب رتبه‌ی ۱۰ از میان ۲۵ کشور نشان می‌دهد که ایران کمی بالاتر از حد متوسط قرار دارد و به جبران تقریباً شش تا هفت امتیاز برای رسیدن به جایگاه برتر نیاز دارد، که این مهم مستلزم عزم و اراده‌ی محکم و برنامه‌ای مدون و حساب شده در سال‌های باقی مانده از افق چشم انداز است.

۴. توانمندی‌های ایران جهت رسیدن به جایگاه اول در منطقه

با اقبال کشورهای مختلف جهان برای شکل دادن به نظام‌های منطقه ای، مفاهیم، دیدگاه‌ها و الگوهای درباره نحوه شکل گیری قدرت در این نظام‌ها مطرح شده است. اگرچه کیفیت رفتار و نحوه تعاملات آن‌ها با یکدیگر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، اما تعیین و سطح بندی قدرت‌های منطقه ای درجه ۱، درجه ۲ و... خود کمک شایانی به بررسی دیدگاه‌ها و الگوهای فوق می‌کند. روش تعیین و سطح بندی قدرت‌های منطقه، مستلزم شناخت کشورهای کانونی و پیرامونی است. برای شناخت سطوح قدرت کشورها در یک رابطه سلسله مراتبی، سنجش وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی آنها ضروری است. دولتی که بیشترین وزن را داشته باشد، قدرت تراز اول منطقه به شمار می‌آید و در جایگاه رهبری و کنترل منطقه ای قرار گرفته و در امور منطقه اعمال نفوذ می‌کند. پس از آن، سطوح پایینتر قدرت، جانب احتیاط را رعایت کرده و با توجه به این واقعیت روابط خود را با آن تنظیم می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۸۱). همان گونه که از متن فوق استنباط می‌شود، مفهوم منطقه در این پژوهش به صورت عینی نیست و از دیدگاه ذهنی برای برای ترسیم مرزی قراردادی که کشورهای مورد بررسی را در بر گیرد استفاده شده است. بدین معنی که "در مفهوم دیدگاه

ذهنی، منطقه توسط یک مدل یا روش محاسبه و از طریق تقسیم بندی یک محدوده‌ی جغرافیایی وسیع تر تعیین می‌شود. در این دیدگاه تنها یک منطقه‌ی طبیعی وجود دارد و آن جهان است و سایر تقسیم بندی‌ها، ملی و بین‌المللی؛ قرار دادی و بر پایه‌ی ویژگی‌های کارکردی است^۱ (تقوایی و رضائی، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۰). " در این دیدگاه منطقه یک وسیله برای دستیابی به هدف و ابزاری برای تمایز و جداسازی ویژگی‌های فضایی است، به روایت هارتشورن^۱ دیگر تلاش برای تصور منطقه به صورت یک موجود واقعی واحد، فراموش شده است. امروز مناطق به مثابه‌ی ابزار توصیفی تلقی می‌شوند که بر اساس معیاری معین و برای هدفی خاص تعریف شده‌اند. در نتیجه تعداد مناطق نیز به ازای تعداد شاخص‌های مورد استفاده در تعریف افزایش می‌یابند (لطیفی، ۱۳۹۱: ۲۱۵). در این راستا سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی ایران با عنوان "افق ۱۴۰۴" تلفیقی از دو ویژگی را در خود جای داده است: از یک سو اهدافی که امکان دسترسی به آن‌ها وجود دارد مد نظر قرار می‌گیرد و از سوی دیگر به افقی بر مبنای پتانسیل‌های موجود و نه بر اساس توانایی‌های بالقوه‌ی کنونی می‌اندیشد (پیشگاهی فرد، پولاب، ۱۳۸۷: ۱۴). در دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران، با حمایت مستقیم آمریکا توانست برتری نظامی خود را در خلیج فارس تحقق بخشد و به ژاندارم منطقه تبدیل شود اما در آن دوران از هیچگونه نفوذی در خاورمیانه، جهان عرب و جهان اسلام برخوردار نبود. اما پس از انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی با شعار "نه شرقی-نه غربی" به یکی از مستقل‌ترین کشورهای جهان در منظومه‌ی روابط بین‌الملل تبدیل شد و با تکیه بر حکومتی که از ارزش‌های دموکراتیک جهان آزاد چیزی کم نداشت و در چارچوب قوانین و اصول اسلامی توانست جامعه‌ای نو و پیشرفت برپا سازد (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

مؤلفه‌های قدرت کشورها در دوره‌های زمانی مختلف دچار تغییر و دگرگونی شده‌اند و هر زمان به تناسب تحولات اجتماعی، اقتصادی و فن‌آوری این مؤلفه‌ها تغییر یافته‌اند (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

قدرت ملی اساساً پدیده‌ای است نسبی که بر الگوی رقابت بین بازیگران تاثیر می‌گذارد. عرصه‌های رقابت نیز فعالیت‌های نظامی، تسلیحاتی، اقتصادی و غیره است. در عرصه اقتصادی کشورها از طریق تولید ثروت و توسعه استانداردهای بهتر زندگی برای شهروندان خود پردازند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۴۷). عواملی در قدرت ملی نقش دارند که می‌توان آن‌ها را در عوامل و فاکتورهای؛ اقتصادی، سیاسی و حکومتی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی و فناوری، فرامرزی و فضایی دسته بندی کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۵۵-۶۵).

در واقع به گواهی تاریخ از قرن‌ها قبل کشور ایران به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود، نقش ارزنده‌ای در استراتژی‌های ژئوپلیتیک داشته و همواره در کانون توجه قدرت‌های جهانی بوده است. از این رو کسب قدرت و بزرگی، چیزی دور از ذهن و غریب نمی‌باشد. تا جایی که نظریه پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند.



مکیندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزءه‌ارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه‌ی قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت بّری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بّری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن، در نظریه‌ی ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه‌ی خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه‌ی تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. برژینسکی نیز با توجه دادن دولتمردان امریکایی به واقعیت‌های ایران، راه کارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر اریک ریتر، ایران به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۴: ۲۹۵). اما ذکر این نکته ضروری است که، تاریخ ایران خود تا اندازه‌ای متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی آن است: همسایگان، محورهای ارتباطی و مسیرهای هجوم بر مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی تأثیر مستقیم می‌گذارد و تجربه تاریخ نیز، در قالب ریزی آن خصوصیات که با اسامی گوناگون فرهنگ سیاسی یا خصوصیات ملی مشخص می‌گردد، تأثیر زیادی دارد (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در واقع جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی -ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل دهنده‌ی نظم بین‌المللی بوده است. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن این - که با برخوردای از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه‌ی خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸). کشور ایران با قرارگیری در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه‌ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است. علاوه به دلیل برخورداری از پتانسیل‌هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای

آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲). از سویی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری‌های ژئوپلیتیکی، یعنی قرارگیری در چهار راه بین‌المللی، حائز اهمیت است؛ این چهار راه آفریقا را به آسیا و آسیا را به اروپا متصل می‌کند. افزون بر این، کشور ایران در کنار آب‌های آزاد دارای مرز مشترک است. ایران دارای موقعیتی است که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به جهان مرتبط می‌کند؛ لذا قادر است در مقولاتی مانند سوآپ یا توزیع سوخت تولیدکنندگان آسیای مرکزی برای کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان نقش مهمی را به عهده بگیرد (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۵). با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپولیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند. به واقع ایران در خاورمیانه به جهت موقعیت منحصر به فرد خود از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هم‌چنین به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی انقلاب اسلامی ایران از طریق ایجاد دگرگونی در مفاهیم سیاسی و مباحث نظری و تولید ظرفیت‌های جدید در نظام بین‌الملل با الهام از آموزه‌های دینی، نظام سیاسی جدیدی را وارد معادلات نظام بین‌المللی کرد که عناصر تشکیل دهنده‌ی آن الهام گرفته از عدالت خواهی، دموکراسی مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی ملت‌ها (مردم‌سالاری دینی) و احترام به کرامت انسانی است. این مولفه‌ها در واقع مطالبات ملت‌هایی است که سال‌ها به دنبال رهایی از ظلم و سلطه‌ی قدرت‌های جهانی و احقاق حقوق پایمال شده‌ی خود بوده‌اند (خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). از طرف دیگر انگیزه‌های ایدئولوژیک ایران باعث گردید تا قدرت‌های بزرگ و سایر بازیگران منطقه‌ای نقش چالش‌گرایانه‌ای را در ارتباط با ایران ایفا نمایند. هدف اصلی آنان جلوگیری از قابلیت هم‌مونیک ایران است. شواهد نشان می‌دهد که توان تکنولوژیک و هم‌چنین قابلیت‌های اقتصادی ایران برای تاثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای به میزان مشهودی کاهش یافته و یا با چالش‌های متنوع رو به رو گردیده است (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۰). باید توجه داشت شرط تبدیل شدن به قدرت برتر داشتن اقتصاد توسعه یافته است. اقتصاد توسعه یافته شکلی از نظام اقتصادی است که بتواند در عرصه مناسبات اقتصاد جهانی نقش آفرینی کند. سهم قابل توجهی از بازارها، تولیدات، انباشت و صدور سرمایه را داشته باشد (فنی، ۱۳۸۸: ۶).

عوامل جغرافیایی نیز می‌تواند بر افزایش قدرت ملی نقش موثری داشته باشد. کشور ایران دارای قابلیت‌های منحصر به فرد جغرافیایی در منطقه است. برخی از مهمترین قابلیت‌های جغرافیایی ایران عبارت است از:

- ۱ - مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز،
- ۲ - داشتن منابع طبیعی نظیر نفت، گاز، معادن فلزی و سنگ‌های تزئینی.
- ۳ - بالابودن وسعت و سرانه فضایی کشور.
- ۴ - تنوع اقلیمی موجود در کشور که می‌توان توسط آن‌ها الگوهای مختلف کشاورزی داشت.



۵- منابع انرژی خورشیدی.

۶- حوزه نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی در اطراف ایران مثل پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و در واقع جهان اسلام.

۵. موانع و محدودیت‌های ایران جهت دستیابی به موقعیت برتر در منطقه

در گذشته اعتقاد بر این بود با از بین رفتن نظام دو قطبی، ایران به زودی اهمیت ژئوپلیتیک خود را از دست خواهد داد، چون آن چه به ایران به عنوان یک منطقه ممتاز ژئوپلیتیکی اهمیت بخشیده بود همسایگی با شوروی و بلوک شرق بود، از این رو طبیعی است که با فروپاشی این بلوک ایران نیز اهمیت خود را از دست بدهد. اما گذشت زمان شکست این نظریه را ثابت کرد و مسیر وقایع خلاف این فرضیه را به اثبات رسانید. چرا که با کشف و اهمیت منابع زیرزمینی و ذخایر انرژی در خزر و قفقاز بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران البته در قالبی دیگر نمایان گردید (313: Shram choubn 1999). حال اگر چه دیدگاه فوق در گذر زمان رد شد، با این وجود در شرایط فعلی موانع و محدودیت‌هایی حرکت کشور ایران را برای رسیدن به جایگاه برتر در منطقه کند می‌کند؛ در ابعاد منطقه‌ای، به دلیل تعارض ایدئولوژیک انقلاب اسلامی با ایدئولوژی و منافع برخی از حکومت‌ها و رهبران کشورهای منطقه و ایدئولوژی و منافع قدرت‌های جهانی، انقلاب اسلامی در انزوای نسبی قرار گرفت. اگر چه انقلاب ایران موضوع فرقه‌گرایی را کم اهمیت جلوه می‌داد، اما پیروزی انقلاب ایران پیروزی اسلام شیعه در سراسر منطقه بود. شیعیان اعم از شیعیانی که در اکثریت بودند، مثل عراق یا بحرین و شیعیانی که در اقلیت بودند، مثل کویت از محرومیت سیاسی و اقتصادی رنج می‌بردند. این‌ها به رقم دارا بودن اکثریت جمعیتی، توسط حکمرانانی غیر شیعی رهبری می‌شدند که اغلب دنبال حمایت از منافع جوامع هم منفعت خود، یعنی اهل سنت بودند و به هیچ وجه حاضر به برقراری روابط متداول و عادی با رهبران شیعی ایران نبودند و در هماهنگی با قدرت‌های غربی از این جهت هزینه‌های مضاعفی را به نهادهای سیاسی و اقتصادی ایران تحمیل می‌کردند (خوجم لئ، ۱۳۹۱: ۸۰). همچنین در شرایط فعلی پایین بودن درآمد سرانه کشور که شاخص بسیار مهمی در قدرت اقتصادی و به تبع رفاه اجتماعی و... است؛ نقش بسیار مهمی در ایجاد محدودیت دارد.

عامل محدود کننده‌ی دیگر، سیاست تعادل ژئوپلیتیکی و ساختار نظام بین الملل است. تعادل ژئوپلیتیکی نیازمند آن است که قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا از الگوی موازنه سازی نرم در برخورد با بحران‌های منطقه‌ای استفاده می‌کنند (متقی، ۱۳۸۷: ۱۰). این مطلب به این معنی است که قدرت‌های بزرگ به کشوری که در راستای سیاست جهانی حرکت نکند و هماهنگی لازم را نداشته باشد، اجازه پیشرفت و تبدیل به قدرت برتر منطقه‌ای را نمی‌دهند. به منظور ایجاد توازن منطقه‌ای گاه سیاست مهار دو جانبه و گاه از طریق تعادل



ژئوپلیتیک عمل می‌شود. بنابراین سیاست‌های خصمانه غرب علیه ایران در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و به راه‌اندازی جنگ عراق علیه ایران و در دهه گذشته در موضوع هسته‌ای و تحریم‌های همه جانبه دلالت به این امر دارد که برای غرب پذیرفته نیست که تعادل منطقه‌ای به نفع کشوری تغییر کند که با سیاست‌های آنان نیز هم راستا نیست.

به علاوه عوامل جغرافیایی موثر در کاهش قدرت ملی ایران شامل این موارد است:

- ۱- بستر نامن و حادثه طبیعی (زلزله سیل)؛
- ۲- بستر نامن اجتماعی همسایگان در شرایط جنگ و گریز؛
- ۳- وابستگی غذایی و تسلیحاتی؛
- ۴- موقعیت به تقریب تک‌نقشی و تک‌محصولی در اقتصاد بین‌المللی؛
- ۵- وابستگی تکنولوژیکی؛
- ۶- جمعیت زیاد و منابع نیروی انسانی تجهیز نشده و سربار؛
- ۷- کاهش بهره‌وری از منابع مالی اعتباری و انسانی به دلیل تجزیه آن‌ها از طریق گسترش سازمان‌ها و نهادهای اداری در حال گسترش؛
- ۸- سیستم اداری حجیم، متمرکز و هزینه‌بر؛
- ۹- الگوی نامتعادل توزیع جمعیت و تحرک غیر منطقی آن‌ها؛
- ۱۰- لزوم استراتژی جامعه کاربری بهینه منابع ملی (مینایی، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

۶. راهکارهای تبدیل چالش‌های احتمالی به فرصت‌هایی جهت تثبیت موقعیت ایران در منطقه

افزایش قدرت و منزلت ژئوپلیتیک کشورها، برای آن‌ها اقتدار، تأثیرگذاری، منافع بیشتر و گسترش حوزه نفوذ را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در مقیاس‌های منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی به همراه خواهد داشت (افشردی و مدنی، ۱۳۸۷: ۱۱۴). حال در میان کشورهای این منطقه، ایران یک کشور منطقه‌ای است یعنی می‌تواند بیشتر از قدرت ملی و جغرافیایی خود نقش ایفا نماید و این نقش به صورت دولت و مسئولانه خواهد بود که در روابط، سیاست و نظم منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود و نقش ایفا خواهد کرد و اگر این نقش به عینیت و سرانجام برسد عامل مهمی برای سامان‌دهی گرایش سیاست خارجی ایران در سال‌های آینده خواهد بود. ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در زمینه ژئواکونومی می‌باشد. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج فارس، که‌هارتلند انرژی فسیلی جهان است اشاره نمود. در شمال نیز دریای خزر وجود دارد که اولویت دوم انرژی جهان به شمار می‌رود. بنابراین پیوند ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ایران در دریای خزر و آسیای مرکزی با موقعیت آن در خلیج فارس که کنترل بیش از نیمی از این منطقه را در دست دارد، عامل بزرگی است که منابع و نقش آفرینی ایران



را در آسیا و اروپا گسترش می‌دهد و هرگونه تلاش کشورهای دیگر برای نادیده گرفتن این مقام ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران، و اعمال فشار بر این کشور در خلیج فارس و اخیراً در خزر موجب واکنش منفی دیگر کشورهای رو به رشد خواهد شد. از دیگر قابلیت‌های ژئواکونومی ایران می‌توان به نیاز روزافزون کشورهای در حال توسعه شرق آسیا اشاره نمود. ایران تنها کشوری است که با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز این کشورها باشد. این کشورها در باطن تلاش می‌کنند که خود را از سلطه تصمیم‌گیری آمریکا خارج نمایند بدین جهت مایلند با تنها کشوری که در حوزه خزر و خلیج فارس سیاست مستقلی از آمریکا دارد رابطه نزدیک برقرار سازند (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۳۰). در واقع شرایط کنونی به دلایل گوناگون اقتصادی، جهانی و داخلی، که جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی رو به رو است، در صورت برنامه‌ریزی فرهنگی در داخل و استفاده از آن به عنوان اهرم تأثیرگذار در شرایط فعلی جهانی در قالب دیپلماسی فرهنگی، می‌تواند به ارتقای سطح روابط متقابل و افزایش آگاهی و درک ایران با سایر کشورهای جهان، مثبت ارزیابی شود (سیمبر، مقیمی، ۱۳۹۴: ۲۲). بنابراین راهکارهای ذیل می‌تواند در این زمینه سودمند باشد:

ایران باید میان اهداف بلند مدت خود یعنی ایده حکومت جهانی اسلام، ایجاد جبهه متحد اسلامی و تحقق صلح و امنیت بین‌المللی، و اهداف میان‌مدت خویش یعنی ترویج ارزش‌های دینی، کسب، حفظ و ارتقا سطح پرستیژ، حضور فعال و مؤثر در صحنه بین‌المللی، مبارزه با نماد استکبار در منطقه و جهان نیز اهداف حیاتی خود یعنی رفاه اقتصادی، تمامیت ارضی، امنیت ملی و وحدت ملی، دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته، صدر و نفت و دستیابی به بازارهای فروش منطقه‌تمایز جدی قائل شود.

ایران باید در راستای تقویت موقعیت و جایگاه خود و دست‌یابی به تولید ثروت و افزایش قدرت اقتصادی کشور و رفاه اجتماعی و توسعه انسانی؛ در شاخص‌های مورد استفاده در مدل لگاتوم از جمله اقتصاد، کارآفرینی، بهداشت و... ارتقا یابد.

۳- با توجه به فضای پر تلاطم منطقه و در راستای ایفای نقش برتر منطقه‌ای راهبردهای ذیل باید از طرف ایران اتخاذ گردد:

- بازسازی روابط با کشورهای اسلامی؛
- اجتناب از درگیری نظامی با استراتژیک با غرب؛
- حضور در ترتیبات امنیتی، سیاسی و منطقه؛
- تحکیم مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک خود در منطقه؛
- گسترش همکاری‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی با کشورهای هم‌جوار.
- جلوگیری از شکل‌گیری حکومت‌های متخاصم و وابسته به بیگانه به ویژه در مناطق هم‌جوار.

- بهره گیری از مزیت‌های جغرافیایی کشور در منطقه به ویژه محورهای ترانزیتی شمال، جنوب و غرب و شرق.

- فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم اقتصادی به منظور مشارکت فعال در فرآیندهای اقتصادی منطقه ای نظیر اکو.

- تحکیم انسجام ملی و مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده قوم‌مداری و فرقه‌گرایی در مناطق هم‌جوار و تفکرات تجزیه طلب و مرکز‌گریز.

تلاش برای ارتقا تولیدات علمی و فناوری، (بر اساس آمار سال ۲۰۱۲ میلادی پایگاه استنادی اسکوپوس در تولید علم و فناوری در ایران افزایش چشمگیری وجود داشته است؛ به طوری که ایران را به مقام ۱۶ جهان و رتبه‌ی اول منطقه در این زمینه تبدیل کرده است) (<http://www.iust.ac.ir>).

- حضور فعال و تعیین کننده در فرآیندهای امنیتی منطقه به اشکال زیر:

-تلاش برای شکل بخشیدن به ترتیبات امنیتی منطقه ای با حضور ایران؛

-ایفای نقش تصمیم سازی در مسائل امنیتی منطقه؛

-تشکیل ائتلاف‌های خنثی کننده در صورت لزوم؛

-مدیریت جمعی بحران‌های منطقه ای؛

-بازدارندگی همه جانبه (مایل افشار، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۸).

۷. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

مطالعه و بررسی شرایط و ویژگی‌های کشور ایران اعم از: موقعیت جغرافیایی، ژئوپولیتیک، منابع طبیعی، نیروی انسانی، موفقیت‌های‌های به دست آمده در سال‌های اخیر و پاره از موارد دیگر نشان دهنده‌ی این است که کشور ایران می‌تواند از داشته‌هایش که در طیف وسیع و گسترده‌ای مهیا است، به عنوان سکوی پرتابی برای رسیدن به جایگاه اول در منطقه استفاده نماید و به یکایک اهداف طرح شده در سند چشم انداز ۱۴۰۴ دست یابد در این صورت این موفقیت آثار و پیامدهای مثبتی چون الهام بخشی و پاسخگویی به نیازهای اساسی جامعه به دنبال خواهد داشت و به پیشرفت همه جانبه و رو به جلوی کشور شتاب می‌بخشد. بدین منظور جهت شناسایی مرتبه و جایگاه واقعی ایران در میان کشورهای منطقه و فاصله‌ی کشور تا رسیدن به هدف مورد نظر از شاخص‌های مورد پذیرش چون: شاخص رفاه جهانی لگاتوم، کیفیت زندگی، درک رفاه و توسعه‌ی انسانی استفاده شد، که پس از تلفیق رتبه‌های نهایی کشورهای منطقه در هر شاخص؛ کشور ایران در سطح منطقه رتبه‌ی ۱۰ و در سطح جهانی رتبه‌ی تقریبی ۸۱ را کسب نمود؛ جایگاه فعلی ایران با وجود برخورداری از حد متوسط در شاخص‌هایی چون درک رفاه (رتبه‌ی ۹ در منطقه) و شاخص توسعه‌ی انسانی (رتبه‌ی ۱۰ در منطقه)، اما ضعف در شاخص کیفیت زندگی و قرار گرفتن در گروه کشورهای پایین تر از حد

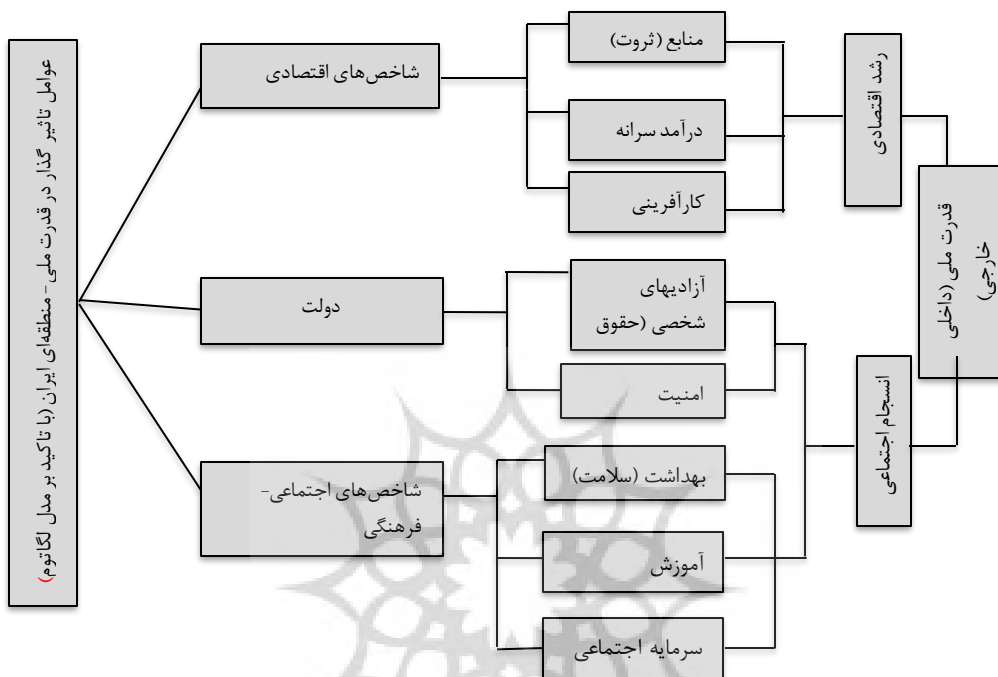




متوسط در شاخص لگاتوم و قرار گرفتن ایران از نظر رتبه کل در میان ۱۸ کشوری که در منطقه دارای اطلاعات قابل دسترس بودند در جایگاه دوازدهم و هم چنین در بین کشورهای جهان نیز، ایران صد و هفتمین کشور جهان از بین ۱۴۲ کشور مورد بررسی در این شاخص معرفی شده است. لازم به ذکر است در رتبه بندی ۱۴۲ کشور جهان در شاخص رفاه ۳۰ کشور در رده‌ی عالی (رتبه‌های ۱-۳۰)، ۴۱ کشور در رده‌ی بالای متوسط (رتبه‌های ۳۱-۷۱)، ۴۱ کشور در رده‌های پایین تر از متوسط (رتبه‌های ۷۲-۱۱۲) و ۳۰ کشور نیز در رده‌ی پایین (۱۱۳-۱۴۲) قرار گرفته‌اند؛ بنابراین بر اساس این شاخص ایران در سطح جهانی، در رده‌ی کشورهای پایین تر از متوسط قرار گرفته است. به علاوه بر خورداری نامناسب از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب که مشخصاً از اهداف سند چشم انداز است، نشان دهنده‌ی نیاز به تلاش مضاعف کشور در سال‌های باقی مانده از افق سند چشم انداز است. لازم به ذکر است پیشرفت‌های علمی، نظامی، اقتصادی و... زمانی دارای اهمیت است که منجر به بهبود رفاه در جامعه شود. در جهت تحقق این امر الگوی زیر جهت نحوه تبدیل اهمیت بالقوه ایران به قدرت بالفعل منطقه‌ای بر اساس مدل لگاتوم طراحی گردیده است و سپس راهکارهایی جهت تسریع آن ارائه گردیده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۱. عوامل تاثیر گذار در قدرت ملی - منطقه‌ای ایران (با تاکید بر مدل لگاتوم)



همان گونه که مشاهده می‌شود در الگوی فوق بر اساس شاخص جهانی لگاتوم، شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و دولت با بهبود و ارتقاء زیر شاخص‌های خود می‌توانند در رشد اقتصادی و انسجام ملی تاثیر گذارند و دولت به عنوان یک بدنه‌ی مهم و اساسی با تلاش در موارد زیر می‌تواند این مهم را تسریع نماید.

- تحکیم و تقویت مزیت‌های ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه جهت تسریع در حرکت کشور برای دستیابی به هدف

- تلاش جدی در جهت بهبود شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی و...
- کاهش نابرابری منطقه در درون کشور و افزایش فرصت‌های برابر بین افراد و مناطق
- تقویت مولفه‌های ثروت، درآمد سرانه و کارآفرینی از شاخص اقتصادی جهت دستیابی به رشد اقتصادی
- تقویت مولفه‌های آزادی‌های شخصی (حقوق و قوانین) و امنیت توسط دولت و هم چنین تقویت مولفه‌های آموزش، بهداشت (سلامت) و سرمایه اجتماعی از شاخص اجتماعی-فرهنگی به منظور تقویت انسجام اجتماعی

- تاکید و پی گیری جدی اقتصاد دانش بنیان به منظور تحقق اهداف برنامه سند چشم انداز

منابع

- احمدی، سید عباس، پارسایی، اسماعیل (۱۳۸۴)، جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، تهران: اولین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، صص ۲۷۷-۲۹۷.
- احمدی، سید عباس؛ لطفی، حیدر (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و نقش بین‌المللی ایران در منطقه، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۰۷-۱۲۱.
- افشردی، محمد حسین، مدنی، سید مصطفی (۱۳۸۷)، ساختار نظام قدرت منطقه‌ای (با تاکید بر کشورهای منطقه)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۲۵۶-۱۱۳.
- ایزدی، جهانبخش، خلفی، فرزاد (۱۳۹۰)، راهبردهای تحقق تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل، فصل‌نامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۳-۶۷.
- بخشی، محمد رضا؛ صمدی، محسن؛ برادران نصیری، مهران (۱۳۸۷)، ترازبایی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوبی بر اساس شاخص‌های تبیین‌گر آسیب‌پذیری و امنیت غذایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۵۰-۲۱.
- بوزان، بری؛ ویور، ای (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- پیشگاهی فرد، زهرا، پولاب، ام‌البنی (۱۳۸۷)، آینده پژوهشی وضعیت آموزش عالی زنان در منطقه‌ی خاورمیانه با تاکید بر جایگاه ایران، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۰۹.
- تقوایی، مسعود؛ رضایی، مریم (۱۳۸۷)، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، مجله بنا، شماره‌ی ۳۷، صص ۴۸-۳۸.
- حاتمی، محمد رضا (۱۳۹۰)، تحولات و ساختار منطقه خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۳۷-۲۰۳.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، صص ۴۶-۷۳.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۹)، قدرت و منافع ملی، تهران: نشر انتخاب.



- خواجه سروی، غلامرضا، نجات پور، مجید، محمدی فر، نجات (۱۳۹۱)، *ظرفیت الگوسازی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های اخیر در منطقه‌ی خاورمیانه*، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- خوجم لی، عبدالوهاب (۱۳۹۲)، *تبیین موقعیت ژئوپولیتیک ایران*، فصلنامه نگین ایران، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص ۷۱-۸۶.
- سیمبر، رضا، مقیمی، احمد علی (۱۳۹۴)، *منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه سیاست جهانی، دوره‌ی چهارم، شماره ۱، صص ۳۸-۷.
- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۴)، *دیپلماسی انرژی و امنیت ملی*، تهران: انتشارات وزات امور خارجه.
- صلاحی، جواد؛ تاروردی ممقانی، یاشار (۱۳۹۰)، *بررسی جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی در افق سال ۲۰۱۵ میلادی بر اساس شاخص‌های اقتصادی و زیست محیطی اهداف توسعه‌ی هزاره*، فصلنامه علوم اقتصادی، سال دوم، شماره هفت، صص ۱۶۲-۱۳۵.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: سمت.
- غفاری، غلامرضا، کریمی، علیرضا، نوذری، حمزه (۱۳۹۱)، *روند مطالعه‌ی کیفیت زندگی در ایران*، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره‌ی اول، شماره ۳، صص ۱۳۴-۱۰۷.
- فنی، زهره (۱۳۸۸)، *درآمدی بر توسعه جهانی شدن و پایداری*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قالیباف، محمد باقر؛ یعقوبی، سید محمد؛ محمودی، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، *تبیین ژئوپولیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی*، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دهم، شماره سوم، صص ۷۵-۵۶.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱)، *مبانی و اصول برنامه ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای*، تهران: نشر علم.
- مایل افشار، فرحناز (۱۳۹۱)، *بررسی تاثیر جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومی در مولفه‌های قدرت ملی ایران*، فصلنامه نامه سیاسی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۳۹-۱۰۹.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، *ژئوپولیتیک تعادل و موازنه نرم (مطالعه موردی: خاورمیانه در بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۱)*، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال چهارم، شماره اول، صص ۸-۳۵.
- مردوخ روحانی، احسان (۱۳۹۱)، *بررسی الگوی رفاهی در ایران و جهان، برنامه ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی*، ویژه‌نامه نخستین همایش علمی رفاه اجتماعی ایران، صص ۲۸۶-۲۴۹.

مصلى نژاد، عباس (۱۳۹۰)، *ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی، فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۱۱-۱۳۵.

ملا ابراهیمی، عزت؛ تارودی ممقانی، یاشار، هنر دوست، عطیه (۱۳۹۲)، *جایگاه ایران در میان کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای مرکزی در افق سال ۲۰۵۰ بر اساس شاخص‌های توانمند سازی زنان، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۳۴۵-۳۷۲.

مینایی، مهدی (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

وثوقی، سعید (۱۳۸۸)، *تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ی قفقاز جنوبی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره نخست، صص ۱۱۶-۱۰۱.

یاسوری، مجید، اسدزاده، هانیه، خلخالی، صغرا (۱۳۹۳)، *نابرابری‌های توسعه در کشورهای اسلامی، فصلنامه سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره دوم، صص ۲۴۷-۲۲۷.

یزدانی، عنایت‌الله؛ شیخون، احسان (۱۳۹۲)، *بررسی الگوهای رفتاری عربستان سعودی نسبت به نقش یابی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس (با تأکید بر تئوری سیبرنتیک)*، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و هشت، شماره سه، صص ۷۰-۵۳.

Shahram Chubin, (Summer 1999), "The Geopolitics of the Southern Republics", *International Affairs*, Vol. IV, No. 2,
UNDP, Human Development report Bhutan, pp 1-5, 2011
UNDP, Human Development report Bhutan, 2014.
<http://www.parliran.ir> (1:6:1394)
<http://www.prosperity.com> (1:6:1394)
<http://www.numbeo.com> (1:6:1394)
<http://www.iust.ac.ir> (1:6:1394).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Iran's Role and Position in the Western and Southwestern Asia

Majid Yasouri, Maryam Sejoudi

Received: 14 February 2016

Accepted: 31 May 2016

Strategic areas, influential countries in this regions and predicting the behavior and movement of this countries and in general investigation of different aspects of them have always been one of the most important issues and intellectual concern of thinkers from different fields. Iran as a regional country can play an important role using its national and geographical power. This role will be influential in politics and regional order and if the role is accomplished it will be an important factor for promoting the position and organizing the orientation of Iran's foreign policy in the coming years. The population considered in this study is the countries located in the region of Central Asia, the Caucasus, Small Middle East, Persian Gulf, Afghanistan and Pakistan. The aim of this study is to determine the role, status and strategic position of Iran in the different indicators among regional countries in the current situation, so that it image the procedure of movement of Iran and continuation of its path for achieving the goals of Iran's vision plan on horizon 1404. Hence the rank of Iran among the other regional countries are compared and evaluated. The method of study is cross-sectional analysis and library method of data collection is used based on documentations provided by international organizations. Studies show that there are significant differences between the regional countries on the ground of possessing the studied indicators. Despite good progress in some parts, according to Iran's long-term plan to reach the top spot in the area and also the capabilities and potential advantages to realize the aspirations of plan vision, Iran is far from achieving the regional top ranking and in the current situation needs to strengthen and equip the most of indicators that represent its development. So in the end we try to achieve a solution to realize Iran's position on the vision plan on horizon 1404.

Keyword: *Iran, strategic role, top positions in the region, regional countries*



سیاست های راهبردی وکلان

ارائه الگوی بهینه مدیریت دانش در دانشگاه؛ منطبق با سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ میترا عزتی، سیدمحمد میرکمالی، لیلا صادقی	۱	1	The Optimal Model of Knowledge Management at the University in Accordance with the Vision of the Islamic Republic of Iran in 2025 Mitra Ezzati, S.Mohammad Mir Kamali, Leila Sadeqi
هزینه های سلامت و امید به زندگی در کشورهای اسلامی سید نظام الدین مکیان، عفت طاهرپور، پروانه زنگی آبادی	۲۵	25	Health Expenditure and Life-expectancy in Islamic Countries S. Nezamuddin Makiyan, Effat Taherpour, Parvaneh Zangiabadi
اثر تبعیض اقتصادی بر بیکاری مرتضی عزتی، حسن حیدری، رسول کوهکن	۴۱	41	The Effect of Economic Discrimination on Unemployment Morteza Ezzati, Hassan Heydari, Rasoul Koohkan
اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای OECD و MENA با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته فاطمه مهربانی، فرشته عبداللهی، مهدی بصیرت	۶۵	65	Considering the Effects of Doing Business on Economic Growth for Iran, MENA and OECD Countries by GMM Method Fatemeh Mehrabani, Fereshteh Abdollahi, Mehdi Basirat
تخمین تولید بالقوه و شکاف تولید برای ایران و بررسی سیاست تحقق رشد مستمر اقتصادی علی فلاحتی، مرضیه احمدی، اسعد اله رضایی، احمد نریمانی	۹۷	97	Estimation of Potential Production and Production Gap in Iran's Economy (Based on Data-Filtering Methodology and Economic Policy Effect Analyzing) Ali Falahati, Marzie Ahmadi, Asaad AllahRezaee, Ahmad Narimani
تاثیر واردات خودرو بر اشتغال در صنعت خودرو ایران و سایر بخش های اقتصادی صالح قویدل، مسعود صوفی مجیدپور، انوش شهابانی	۱۱۵	115	The Effect of Automobile Import on Employment in Iran Saleh Ghavidel, Masoud Sofi Majedpor, Anoosh Shabani
تاثیر تفاوت دهک های درآمدی بر شاخص سلامت در ایران سلمان ستوده نیا، محمد دانش نیا، اعظم قزلباش، حسین احمدی راد	۱۳۷	137	The Effect of Different Income Deciles on Health Indicator in Iran S.Setoodenia, M.Daneshnia, A. Qezelbash, H.Ahmadi Rad
نقش و جایگاه ایران در آسیای غربی و جنوب غربی مجید یاسوری، مریم سجودی	۱۶۹	169	Iran's Role and Position in the Western and Southwestern Asia Majid Yasouri, Maryam Sejoudi